

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال دوازدهم - شماره سوم - شماره پیاپی ۳۷ - پاییز ۱۴۰۱

بررسی نقش حیوانات در ضرب‌المثل‌های عامه شهرستان رستم (ص ۱۱۱-۱۳۷)

DOI: 20.1001.1.2345217.1401.12.3.5.9

غلامعلی محمدی<sup>۱</sup>، عظامحمد رادمنش (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>، محبوبه خراسانی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲۵

نوع مقاله: پژوهشی

### چکیده

ادبیات عامیانه هر قوم و خطه‌ای اعم از نظم و نثر و ادبیات شفاهی نشان‌دهنده و بیانگر فکر، باور، آداب و رسوم، رفتار، مناسبات فرهنگی و اجتماعی و شیوه زندگی است. در میان ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم، حیوانات نقش قابل ملاحظه‌ای دارند. با بررسی‌های انجام‌شده، یک هفتم ضرب‌المثل‌ها به حیوانات اختصاص دارد. این حیوانات که به دو گروه اهلی و وحشی تقسیم می‌شوند، حیواناتی هستند که با زندگی مردم این دیار ارتباط تنگاتنگ دارند. نگاه به جامعه حیوانات در این مثل‌ها در واقع جامعه‌شناسی انسان‌هاست. بعضی از رفتار، حرکات، خلق و خوی حیوان در انسان منعکس شده است که این امر، مثلی بر پایه تشبیه، استعاره یا کنایه را فراهم آورده است. حیواناتی که انسان در زندگی روزمره بیشتر با آن ارتباط داشته است، ضرب‌المثل بیشتری در شأن اوست و انعکاس رفتارش چشمگیرتر است. حیوانی که خدمت بیشتری عرضه می‌کند، نقش بیشتری را در پرورش ایفا می‌کند و آن که برای زندگی تهدید است، فردی است که رفتارش در جامعه منفی است و کاربرد مثل در شأن وی در حقیقت برای آن است که در اصلاح خویش بکوشد. توصیف یک حیوان در ضرب‌المثل، در حقیقت بیان مشخصه فردی است که دارای این صفت است. این همه مثل در شأن حیوانات با کاربردی که آنان در فرهنگ مردم این شهرستان دارد، جز تربیت، رشد و آموزش، قصد و هدفی در آن متصور نیست که این موضوع خود به نقش مهم انسان‌سازی به منظور ایجاد جامعه‌ای سالم تأکید دارد.

کلمات کلیدی: شهرستان رستم، ضرب‌المثل، حیوانات و ضرب‌المثل‌ها.

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

Email: gho.mohammadi@gmail.com

<sup>۲</sup>. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

Email: ata.radmanesh1398@gmail.com

<sup>۳</sup>. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

Email: najafdan@gmail.com

## ۱. مقدمه

شهرستان رستم یکی از ۲۹ شهرستان استان فارس است که در فاصله ۱۸۰ کیلومتری شمال غربی استان واقع شده است. این شهرستان از شمال و شمال شرقی به کهکیلویه و بویراحمد، از جنوب و شرق به شهرستان ممسنی، از شمال غرب به شهرستان باشت محدود است. این شهرستان از دو بخش، مرکزی و سُرنّا تشکیل شده است؛ مرکز بخش مرکزی، شهر مصیری و مرکز بخش سُرنّا، شهر کوپن است. شهرستان رستم دارای ۱۷۴ روستاست؛ جمعیت شهری و روستایی، روی هم ۵۵ هزار نفر است (فرمانداری شهرستان رستم). «وجود فراز و نشیب‌ها سبب گردیده است که دو نوع آب و هوای متغیر، یکی سردسیری و دیگری گرمسیری در منطقه رستم به وجود آید. شمال این ناحیه، کوهستانی و مستور از جنگل بلوط است و جنوب آن منطقه‌ای جلگه‌ای صاف و هموار» (حبیبی فهلیانی، ۱۳۷۱: ۱۷۶). آب و هوای شهرستان رستم، معتدل و میانگین دمای سالانه ۲۷ درجه سانتیگراد است. میانگین بارندگی در سال‌های اخیر با توجه به خشکسالی، ۴۰۰ میلیمتر بوده است. باران کافی و وجود چشمه‌سارها و رودخانه‌ها، بستر مناسبی را برای زندگی فراهم آورده است. پوشش گیاهی متنوع و درختانی چون بلوط، بنه، کلخنگ، ارزن، انجیر کوهی، گون و بادام و همچنین کوه‌هایی چون سیاه، عنا، دول، زرآورد، زرد شهنه و گزو، و رشته کوه‌های متعدد سبب گردیده است که اقلیم شهرستان رستم علاوه بر آنکه زیستگاه خوشی برای انسان باشد، مأمنی برای پرندگان و حیوانات وحشی مانند کفتار، پلنگ، گرگ، خرس، روباه، سمور، جوجه تیغی و گراز باشد. از کوه سیاه در روستای شاه‌جهان احمد تا انتهای کوه زرآورد در روستای امیرایوب، همه کوهستانی است و ساکنان این مناطق با کشاورزی دیم و دامپروری زندگانی را می‌گذرانند. دامپروران بیشتر کوچ‌نشین هستند؛ یعنی مستان را در شهرستان رستم و تابستان را در حوزه استان کهکیلویه و بویراحمد می‌گذرانند. اکثر دامداران در رستم دو ساکن هستند. جلگه رستم یک و دو به خاطر حاصلخیزی جهت کشت برنج، گندم، ذرت، جو و صیفی جات سبب شده است که قشر عظیمی از مردم سرگرم کشاورزی باشند. گروه قابل توجهی نیز مشاغل دولتی دارند و این نشانگر رشد تحصیل در این شهرستان است.

## ۱-۱. ضرب المثل

«یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ادبیات شفاهی، ضرب المثل است که ضمن آن معانی عمیق و مفصل که معمولاً حاوی مضمونی اخلاقی و اجتماعی است به صورت موجز، روان و روشن به مخاطب القا می‌شود. ضرب المثل ساختار محکم و روان، معنای کنایی و کاربرد عام دارد؛ یا به عبارت دقیق‌تر، به سبب روانی لفظ و روشنی معنی و لطف ترکیب، قبول عام یافته است» (حاجیان نژاد، ۱۳۸۹: ۱۲۲). «ضرب المثل‌ها غالباً حکایتی را به دنبال دارند که مردم با نقل این حکایات، اوقات خویش را خوش می‌دارند

و سخن خویش را مستدل و منطقی جلوه می‌دهند و از جنبه‌های تربیتی این گونه حکایات غافل نیستند. از آنجا که ایجاز و اختصار در ضرب‌المثل‌ها به طور کامل رعایت شده است، از کلی‌گویی و اطاله و اطناب سخن می‌کاهند (قیاسی، ۱۳۹۶: ۳۹). «مَثَل جمله‌ای است مختصر و مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که سبب روانی لفظ و روشنی معنی و لطف ترکیب که شهرت عام یافته باشد و همگان آن را بدون تغییر و یا با اندک تغییر در محاوره بکار برند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «مثل»). «مَثَل، داستان، دستان یا نیشه جمله‌ای است کوتاه، مشهور و گاه آهنگین، حاوی اندرزها، مضامین حکیمانه و تجربیات قومی، مشتمل بر تشبیه، استعاره یا کنایه که به دلیل روانی الفاظ، روشنی معنا، سادگی، شمول و کلیت، در میان مردم شهرت و رواج یافته است و با تغییر یا بدون تغییر، آن را به کار می‌برند» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۳۳). «امثال و حکم، کامل‌تر از سایر ادبیات عامه و بیان‌کننده خلیقات اقوام و جوامع است» (پرتوی عاملی، ۱۳۶۹: ۱۸). «مَثَل حکمت توده است و تعداد امثال و حکم در میان هر ملّتی نشانه سعه فکر عوام آن ملّت است» (همان: ۱۹). با توجه به تعاریف ذکر شده می‌توان گفت که ضرب‌المثل، سخنی مختصر و حکیمانه مبتنی بر تشبیه، استعاره یا کنایه است، سخن را مستدل و منطقی جلوه می‌دهد و از اطناب آن می‌کاهد. به نظر می‌رسد که تعریف ذوالفقاری جامع‌تر و کامل‌تر باشد.

#### ۲-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- کدام حیوان در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم نقش مثبت و کدام حیوان نقش منفی دارند؟
- ۲- چرا حضور یک حیوان در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم بیشتر و حضور حیوانی دیگر کمتر است؟
- ۳- در میان حیوانات اهلی و وحشی، بسامد بالای مَثَل مربوط به چه حیواناتی است؟
- ۴- ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی که در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم منعکس می‌شوند، کدامند؟
- ۵- هدف عمده از کاربرد این مَثَل‌ها در زبان عامه چیست؟

#### ۳-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به جستجوهای انجام شده، درباره ضرب‌المثل‌ها در شهرستان رستم تحقیقی صورت نگرفته است. کارهایی که در خصوص ادبیات عامیانه در این شهرستان صورت گرفته بسیار ناچیز است که به صورت بسته‌وگریخته در بعضی از کتاب‌ها به آن پرداخته شده است؛ اما آثار مکتوب برای معرفی ضرب‌المثل‌ها در این شهرستان وجود ندارد. در استان فارس، مقاله «نقش حیوانات در ضرب‌المثل‌های شیرازی با نگرشی بر جامعه‌شناسی زبان» نوشته ندیم (۱۳۷۹)، چاپ شده در مجموعه

مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، حیوانات را از دید جامعه‌شناسی زبان بررسی کرده است. در این مقاله «خر» از نظر جایگاه اجتماعی بررسی گردیده و اوصاف او توضیح داده شده است و از سوی دیگر مفاهیمی که حیوانات در ضرب‌المثل‌های شیرازی دارند به اختصار آمده است. در مقاله «تحلیل معنی‌شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش لار» نوشته شریفی مقدم (۱۳۹۲)، چاپ‌شده در ویژه‌نامه نامه فرهنگستان نیز به بسامد، درصدبندی موضوعات و نهادهای مختلف اجتماعی در ضرب‌المثل‌های شهرستان لار پرداخته شده است.

#### ۴-۱. شیوه پژوهش

نگارندگان در این جستار کوشیده‌اند نخست به گردآوری ضرب‌المثل‌های رایج در میان مردم شهرستان رستم بپردازند و سپس از میان این ضرب‌المثل‌ها، ضرب‌المثل‌هایی را که درباره حیوانات است، تحلیل کنند. در این مقاله، پانزده حیوان و هر حیوان به صورت جداگانه بررسی شده است. مشخصه‌های هر حیوان در ضرب‌المثل‌ها به صورت جملات مصدري آورده شده است. این ضرب‌المثل‌ها به روش میدانی و از میان مردم روستاها و محله‌های شهرستان رستم جمع‌آوری گردیده است. این حیوانات، منعکس‌کننده ویژگی‌های اخلاقی و رفتار اجتماعی انسان‌ها هستند که با زندگی مردم منطقه پیوند مستقیم دارند.

اهمیت شناخت و تحلیل این ضرب‌المثل‌ها به این علت است که هر کدام از حیوانات، در حقیقت نماینده تجلی خلق و خوهای افراد جامعه‌اند و از سوی دیگر، مردمانی که با این حیوانات سر و کار داشته‌اند با نگاه تیزبین، وجه اشتراک رفتار حیوانات و انسان‌ها را دریافته و بین آن‌ها پیوند برقرار کرده‌اند. حیوان‌شناسی در این گفتار، ما را به انسان‌شناسی رهنمون می‌کند؛ انسانی که خوی او در حیوانی متجلی است. به اجمال، شناخت خوی این حیوانات با توجه به دید مردمان، شناخت خصلت انسان‌ها و افراد جامعه است و از سوی دیگر پاره‌ای از این ضرب‌المثل‌ها بیان‌کننده حکمی اخلاقی هستند.

#### ۲. حیوانات در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم

«در حکایت‌های رمزی بسیاری، از نظم و نثر و همچنین در آثار هنری به‌جامانده از تمدن انسانی، جانوران، همواره به عنوان نماد ناخودآگاهی و جمعی و هم به عنوان نمادهای قراردادی، اقلیمی و گاه شخصی، نقش‌های متفاوت طبقات و گروه‌های انسانی را به عهده گرفته‌اند» (سلاجقه ۱۳۹۰: ۱۲۲). «ضرب‌المثل‌ها به عنوان برآیند درک گویشوران یک زبان، یک نگرش تاریخی از سبک زندگی و رویارویی آنان با چالش‌ها ارائه می‌کند و در این میان، حیوانات جایگاهی درخور، در این گونه ادبیات عامیانه دارند. نگاه به ضرب‌المثل‌های در بردارنده نام حیوانات، می‌تواند زمینه‌ساز بازنگری شیوه

بهره‌گیری از آن‌ها در جوامع باشد)) (علوی مقدم ۱۳۹۸: ۲۱۰-۲۰۹). در میان حدود ۷۰۰ ضرب‌المثل جمع‌آوری شده شهرستان رستم، حدود ۱۰۶ ضرب‌المثل در شأن حیوانات است.

گرچه این ضرب‌المثل‌ها در جامعه روستایی و شهری شهرستان رستم به شیوه میدانی جمع‌آوری شده است، دلیل بر آن نیست که این مثل‌ها خاص این شهرستان است؛ چون مثل حد و مرز نمی‌شناسد و به سرعت حدود را در می‌نوردد، کاربرد آن ممکن است در جوامع دیگر به همین شکل یا مفهوم، موجود باشد. بنابراین آنچه در میان مردم، رایج بوده است، بررسی و تحلیل شده است. «ساده‌ترین مفاهیم که در ضرب‌المثل‌ها تقریباً بیشترین استفاده را دارند، حیوانات می‌باشند. استفاده از حیوانات، شناخت آن‌ها برای کلیه اقشار مردم و درک سریع و ساده آن‌ها موجب این استفاده زیاد شده است» (ندیم، ۱۳۷۹: ۲۹۲).

حیوانات به دو دسته تقسیم می‌شوند: حیوانات اهلی که به ترتیب بسامد شامل خر، سگ، گاو، بز، شتر، میش و گربه می‌شوند. حیوانات وحشی نیز به ترتیب بسامد شامل گرگ، روباه، شیر، خرس، گراز، کفتار، پلنگ و میمون‌اند. تعداد ضرب‌المثل‌هایی که حیوانات اهلی در آن نقش دارند، سه برابر بیشتر از ضرب‌المثل‌هایی است که حیوانات وحشی در آن ایفای نقش می‌کنند که این خود حاکی از ارتباط مستقیم و مداوم انسان با این حیوانات است. در بین حیوانات اهلی، بسامد ضرب‌المثل در مورد خر، و در میان حیوانات وحشی، بسامد گرگ بالاترین بسامد است. آنچه با بررسی این ضرب‌المثل‌ها فهمیده می‌شود، ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی است که ممکن است در افراد مشاهده شود و هدف یا محلی برای تربیت یا تشویق، تأیید یا رد رفتار مخاطب باشد. آنچه با بررسی حیوانات وحشی در این ضرب‌المثل‌ها فهمیده می‌شود، تلاش برای بقا، افزونی بدی‌ها، ریاکاری، دشمن‌کشی، عبرت‌نگرفتن، پشیمانی، تهدید، پستی و بی‌غیرتی، دشمن‌شناسی، خوش رفتاری، تاب نداشتن، عیب‌جویی و بی‌تجربگی است.

تسلیم شدن، پرخوری، خیانت در امانت، خدمت‌گزاری، اکراه از پذیرش حقیقت، جهالت، قدردانی، ظلم به ضعفا، دقت در انتخاب، آشفتگی و نابسامانی، همه چیز را از دست دادن، علامت شناسی، علت‌فهمی، کار بی‌فایده کردن، لیاقت‌نداشتن، رسم تازه آوردن، خدمت به ناهل، بی‌وفایی، بی‌هنری، چشم‌پوشی، بهانه‌جویی، عمل‌گرایی، عاقل بودن، تأثیرپذیری، بی‌انصافی، منفعت‌طلبی، نفهمی، مطیع بودن، به نتیجه عمل رسیدن، به نادان پنددادن، بی‌حیایی، دزدی، موقعیت‌شناسی، حرص، مدعی بودن و تکبر نیز ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی هستند که انعکاس آن‌ها در کاربرد ضرب‌المثل‌هایی است که حیوانات اهلی در آن نقش دارند دیده می‌شود.

## ۱-۲. حیوانات وحشی

### ۱-۱-۲. گرگ

شکست نتیجه تبلی است و پیروزی در دل تلاش و کوشش نهفته است؛ قبلاً بدی کم بود ولی اکنون افزون شده است؛ دورویی و ریاکاری؛ آن که نتواند از خود دفاع کند محکوم به شکست است؛ برای رهایی از دست دشمن باید او را نابود کرد؛ از تنبیه و مکافات روزگار عبرت نگرفتن و به مسیر نادرست ادامه دادن؛ هنر، امری فردی است نه اجتماعی؛ این که گروهی ظالم، مظلومی را از پای درآورند، هنر نیست بلکه مذمت آنان است؛ به خاطر رفتار بد از روشنایی گریزان بودن و رفتار گذشته سبب نابودی آینده گشتن؛ خیانت کردن؛ وقتی تهدید نباشد، ضعیف قوی می شود و ادعای سروری می کند؛ همه این‌ها مواردی است که در رفتار گرگ نهفته است. درنده‌ای که به خاطر کردار ناپسند و رفتار نادرستش نماد اخلاق و رفتار انسان‌ها شده است. در میان درندگان، بیشترین ضرب‌المثل در شأن اوست. در واقع، تجلی رفتار او در مردم سبب شده است که در مقایسه با بقیه درندگان، نقش بسزایی را در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم ایفا کند. البته باید توجه داشت این ضرب‌المثل‌ها ساخته و پرداخته ذهن جامعه‌ای است که با گرگ زندگی می کرده است و با آن ارتباط تنگاتنگ داشته است؛ جامعه‌ای عشایری و روستایی که در دل کوه سکونت داشته است گرگ را از نزدیک می دیده است و شاهد رفتار او بوده است. علامه دهخدا در لغت‌نامه، ذیل «گرگ»، سیزده مثل آورده است که دو مورد از آن‌ها با ضرب‌المثل‌هایی که در شهرستان رستم درباره گرگ آمده است، از نظر مفهوم مشترک است.

- اگر گرگ وانبی، گرگ ای خرت.

Agar gorg vānabay, gorg ey xaret.

برگردان: اگر گرگ نشوی، گرگ تو را می خورد.

کاربرد: اگر شکار نکنی، تو را شکار می کنند.

- اویسکی گرگ علی بی، ی گرگ بی، ایسو واییده ی گله گرگ.

owseki gorg ali bi, ya gorg bi; eyso vābīde ya gala gorg.

برگردان: زمانی که گرگ علی (نام شخص) زنده بود، یک گرگ بود؛ حالا گرگ یک گله شده است.

کاربرد: افزایش بدی‌ها

- توبه گرگ، کشتنیش.

tawbaye gorg, koštanše.

برگردان: توبه گرگ، کشتن اوست.

کاربرد: «بازگشتنی بی ثبات» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۵۵۸).

- گرگ ای گرن تیش ای سوزنن، ای گو ولم گُگله رَ.

gorga ey geren teyaša ey sūzanen, ey go velom ko gala ra.

برگردان: گرگ را می‌گیرند چشمش را می‌سوزانند، می‌گویند مرا رها کنید گله رفت.

(گویا این کار را با گرگ انجام می‌داده‌اند تا گله از گزند آن در امان باشد و بعد مثل شده است.)

کاربرد: از تشبیه عبرت نگرفتن. مکافات روزگار را فراموش کردن. به مسیر نادرست ادامه دادن.

- گرگ گل هنر ندار.

gorge gal henar nōāre.

برگردان: گرگ گله (گروهی، دسته‌جمعی) هنر ندارد.

کاربرد: دسته‌جمعی و با هم کاری را انجام دادن، هنر نیست.

- گرگ و کارکرد شوش، تیی روزش ندار.

gorg va kārkerde šawš, teyay zūzeš nadāre.

برگردان: گرگ به سبب کارکرد شب خود، چشم دیدن روز خود را ندارد.

کاربرد: پشیمان‌بودن از انجام عمل.

## ۲-۱-۲. روباه

افرادی که قطع رابطه با آنان سودمند است، افراد ناتوان و عیب‌جو جایگاه روباه را در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم باز کرده‌اند. گرچه تعداد این ضرب‌المثل‌ها از سه مثل فراتر نمی‌رود اما کاربرد، کثرت تکرار و عمومیت آن‌ها نقش بسزایی را در فرهنگ مردم این شهرستان ایفا می‌کند. در لغت‌نامه دهخدا پنج ضرب‌المثل درباره روباه بیان شده است که هیچ‌کدام با مثل‌هایی که در شهرستان رستم رایج است، مشترک نیست.

- خوش و حال باغی که روه باش و قهر.

xoš va ḥāl bāyi ke rūva bāš va qahre.

برگردان: خوشا به حال باغی که روباه با آن قهر است.

کاربرد: قهر، بهتر از آشتی زیان‌آور است.

این ضرب‌المثل در شیراز به این شکل است: خوشا به باغی که توره ازش قهر کنه! «خوش آن باغی که شغال از آن رم (قهر) کند». ذوالفقاری این مثل را تهرانی می‌داند (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۹۲۸).

- روه دَسش و انگور نی‌رسی، ای گو گوره‌ترش، ریدم منت.

rova daseš va angūr ney rasey, ey go gūra teroš rīdom menet.

برگردان: روباه دستش به انگور نمی‌رسد، می‌گوید غوره‌ترش، در تو ریدم.

کاربرد: برشمردن عیب چیزی که دسترسی به آن ممکن نیست.

«در یک روز گرم تابستانی، روباهی از تاکستانی می‌گذشت که ناگهان چشمش به خوشه انگور آبداری افتاد که از شاخه تاکی آویزان بود. روباه با خود گفت: با خوردن این انگور عطشم می‌خوابد و جگرم حال می‌آید. پس دورخیزی کرد و بالا پرید تا انگور را به دندان بگیرد، اما موفق نشد. بار دیگر به عقب رفت و به هوا جست، اما این بار هم ناموفق بود. پس از بارها تلاش، ناامید از به‌چنگ آوردن خوشه انگور آهی کشید و در حالی که از آنجا دور می‌شد زیر لب زمزمه کرد: مطمئنم که آن انگور ترش است» (ایزوب، ۱۳۹۴: ۵۳).

- شیری بخورت به از رووی.

šīri bexaret b:a za rūva ya.

برگردان: شیری تو را بخورد بهتر از روباه است.

کاربرد: نابودی به دست دشمن قوی بر کشته‌شدن توسط دشمن ضعیف، برتری دارد.

## ۲-۱-۳. شیر

شیر دشمن قوی و زبردستی است که دشمنی با او مایه فخر و مباهات است و کشته‌شدن به دست او بر نابودی به دست حيله‌گران و مگاران شرافت دارد. جنسیت این دشمن قوی مطرح نیست بلکه توان و قدرت اوست که در دشمنی منظور و مقبول است. باید از این دشمن ترسید، و او را دشمنی قوی‌پنجه به حساب آورد و در برابرش آماده بود. از این دو ضرب‌المثل که درباره شیر در زیر آورده شده است، دومی به صورت «شیر پیشه، نر و ماده ندارد» در لغت‌نامه دهخدا ضبط شده است.

- شیری که و بیشه ای در، نر و لاس ندار.

šīrey ke va bīše ey darā, naro lās naḏāre.

برگردان: شیر که از بیشه بیرون می‌آید، نر و ماده ندارد.



کاربرد: دشمن، دشمن است، قوی و ضعیف ندارد. دشمن، مرد و زن ندارد.

#### ۲-۱-۴. خرس

نقش بارز خرس در دو موضوع خلاصه می‌شود: ۱. هر گاه در سختی، تنگنا و فشار قرار می‌گیرد به جای دفاع و حمله به دشمن و عامل تهدید بودن، به توله‌های خود حمله می‌کند. این وصف حال کسی است که قدرت حل مشکلات را ندارد و عقده خویش را بر سر اعضای خانواده خالی می‌کند. ۲. امور را به دست انسان بی‌تجربه و ناآزموده سپردن، چیزی جز زیان و شکست در پی نخواهد داشت؛ این عمل در حقیقت به کارگیری خرس برای انجام کاری است که هم خود را نابود می‌کند و هم دیگران را.

- خرس وقتی فشار وش ایا، تیلی خوش ای کوز.

xers vaqti fešār vaš eyā, tīlay xeša ey kūze.

برگردان: خرس وقتی در تنگنا و سختی قرار گرفت، توله‌هایش را گاز می‌گیرد.

کاربرد: سختی و تنگنا سبب آزار رساندن به نزدیکان است.

- خرس ای برن و آهنگری.

xersa ey baren va āhengari.

برگردان: خرس را می‌برند برای آهنگری.

کاربرد: به خدمت گرفتن کسی که کاری از او ساخته نیست و تجربه کار را ندارد.

#### ۲-۱-۵. میمون

میمون جزو حیواناتی است که کمترین ضرب‌المثل از او در شهرستان رستم بیان شده است. دلیل این امر آن است که میمون، حیوان بومی شهرستان رستم نیست. در این ضرب‌المثل که به نظر می‌رسد از جاهای دیگر وارد فرهنگ مردم شهرستان شده است؛ میمون نماد انسان‌های زشت‌روی خوش حرکت است.

- میمون و همه زشت تر، بازیش و همه بهتر.

maymūn va hama zešt tare, bāzīš va hama behtare.

برگردان: میمون از همه زشت‌تر است، بازیش از همه بهتر است. «میمون هر چه زشت‌تر است،

بازیش بیشتر است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل میمون).

کاربرد: کسی که حرکات و رفتارش زیباست اما صورتی زشت دارد.

## ۲-۱-۶. گراز

گراز، نماد عدمی است که از وجود بهتر است؛ وجود و حضوری که جز ضرر و زیان چیزی در پی ندارد. از آنجا که شهرستان رستم به خاطر شرایط اقلیمی دارای بیشه‌ها و زمین‌های کشاورزی مناسبی است و با توجه به تهدیدی که گراز برای بیشه و کشاورزی دارد، این حیوان جایگاه مثبتی در ضرب‌المثل‌ها ندارد.

- خوش و حال بیشی که گراز وش نی خون.

xoš va ḥāl bīšay ke gerāz vaš ney xūne.

برگردان: خوش به حال بیشه‌ای که صدای گراز از آن شنیده نمی‌شود.

کاربرد: عدم بهتر از وجود.

## ۲-۱-۷. کفتار

کفتار در ضرب‌المثل‌ها و اشعار شهرستان رستم، نماد مرد پست، بی‌غیرت و بی‌عقل است که بخت و اقبال خوبی دارد و چیزهای خوب نصیبش می‌شود. در میان داشته‌های مرد، زن جزو بهترین‌هاست؛ چنانچه زنی خوب نصیب انسانی پست و بی‌غیرت شود، در واقع کفتار به نعمتی خوب دست یافته است، نعمتی که کفتار لایق آن نیست. وجود چنین نعمتی سبب می‌شود که مردان غیور افسوس بخورند. «بعضی گویند که کفتار به معنی زن ساحره است که جگر مردم به نگاه خویش برآورد و می‌خورد» (دهخدا، ۱۳۳۷: ذیل کفتار). اما نقش کفتار در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم، فرد نالایقی است که صاحب نعمتی شده است، و در اشعار "بیت" نیز مشخص است:

آسمونِ یِ ناله یِ زمین و بار / هر لقمی چرب‌تر نصیب کفتار

- خیار خوب خدا داده و کفتار.

xeṽār xūba xeḏā dāde va kaftār.

برگردان: خیار خوب را خدا به کفتار داده است.

کاربرد: زن خوب نصیب مرد پست و نالایق شده است.

## ۲-۱-۸. پلنگ

پلنگ خطری است که خوشی‌ها، شادی‌ها، زیبایی‌ها و وفور نعمت را تهدید می‌کند. از آنجا که پلنگ در شکار، حیوانی بسیار مرموز است و همیشه از جایی که انتظار نمی‌رود به شکار هجوم می‌برد،

تهدیدی که قله‌های زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد مانند تهدید پلنگ دور از انتظار نیست. برای مقابله با این هجوم باید هوشیار و آماده بود.

#### - علف سوز، پلنگ دار.

alaf sawz pelang dāre.

برگردان: علف سبز، پلنگ دارد.

کاربرد: هر خوشی و خوبی‌ای را خطری تهدید می‌کند. زیبایی بدون تهدید نیست.

#### ۲-۲. حیوانات اهلی

##### ۲-۲-۱. خر

خداوند بهتر می‌داند که هر کسی چه لیاقتی دارد؛ هیچ اتفاقی نیفتاد، از مشکلی که پیش آمد بگذریم؛ دنیا، دارِ مکافات است؛ تکلیفش با خودش مشخص نیست؛ پیر را جوانی نشاید؛ آن که مشکل دارد به دنبال بهانه می‌گردد؛ بستر سازی برای کاری که هنوز انجام نشده است؛ عمل مهم است نه گفتار؛ انسان هوشیار یک اشتباه را دو بار تکرار نمی‌کند؛ تغییر صورت در سیرت بی‌تأثیر است؛ کارها همیشه بر یک منوال نیست؛ دیدن بر رفتار تأثیر دارد؛ کالایی که ارزان است، کارایی چندانی ندارد؛ کار بی‌فایده انجام دادن؛ در تقسیم، عدالت را رعایت نکردن؛ کار را کس دیگر انجام می‌دهد، سود و منفعت عاید دیگری می‌شود؛ عمر را در جهالت به سر بردن؛ به چیز بی‌ارزش برای رفع نیاز اقدام کن اما منت انسان پست را نکش؛ بچه باید در مجالس و محافل همراه مادر باشد، نه پدر؛ رودر بایستی را کنار بگذار؛ شعور و فهم گفتگو و ارتباط اجتماعی با دیگران را نداشتن؛ مطیع بودن؛ نتیجه رفتار و عملت را مشاهده کن؛ پند دادن انسان نادان بی‌فایده است؛ اوضاع آشفته و پریشان است. همه این مفاهیم به کاربرد نقش خر در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم اشاره دارد.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، یک چهارم از کل ضرب‌المثل‌های حیوانات در شهرستان رستم به خر اختصاص دارد ولی در میان حیوانات اهلی بیشترین ضرب‌المثل در مورد اوست؛ این خود ناشی از نقشی است که خر در زندگی روزمره مردم این خطه ایفا کرده است و می‌کند. خر، نماد انسان‌های بلا تکلیف، بی‌هنر، بهانه‌جو، بی‌برنامه، عاقل، اهل گفتار، غیر قابل تغییر، مقلد، مطیع، بی‌انصاف، آماده‌خور، نفهم، نالایق، نادان و نصیحت‌نشو است. آنچه در شأن خر است به طور کامل در این ضرب‌المثل‌ها منعکس شده است، اما صفت عاقلی در شأن خر نماد کسانی است که درک، شعور و فهمشان از خر هم کمتر است. دهخدا در لغت‌نامه بیش از صد و بیست مثل و حکمت در رابطه با خر بیان می‌کند که تنها ده مورد از آنان با ضرب‌المثل‌های رایج در شهرستان رستم یا از نظر صورت و یا از نظر معنی شباهت دارد. ذوالفقاری نیز در «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی» پنج صفحه را به خر

اختصاص داده است. این اندازه مثل در شأن یک حیوان بیانگر نقش آن در زندگی روزمره ما ایرانیان و ارتباط تنگاتنگ این حیوان با زندگی بشر است. هیچ حیوانی به اندازه این حیوان نتوانسته است در مثل‌ها نقش داشته باشد؛ گویی کوچک‌ترین حرکت این حیوان از چشم انسان، مخفی نمانده است.

- تفنگ و بارِ خر، خرِ گرگِ ای خور.

tefang va bāre xare, xara gorg ey xare.

برگردان: تفنگ به بار خر است، خر را گرگ می‌خورد.

کاربرد: ابزار در دست بی‌هنر، بی‌فایده است.

- خر گور اوسار رنگی.

xare gawr awsār rangi.

برگردان: خر پیر و افسار رنگی.

کاربرد: در پیری جوانی کردن.

- خر لنگ بندیرش هوش.

xare lang bandīrša hawše.

برگردان: خر زخمی، منتظر هُش (صدایی برای نگه‌داشتن خر) است.

کاربرد: کسی که مشکل دارد به دنبال بهانه می‌گردد.

- خر نَسده، آحرِ بسه.

xar nasada, āher basa.

برگردان: خر خریداری نشده، آخور آماده.

کاربرد: بسترسازی برای کاری که انجام نشده است.

- خر و پیوم او نی خور.

xar va payūm aw ney xare.

برگردان: خر با پیام آب نمی‌خورد.

کاربرد: عمل مهم است؛ نه گفتار.

- خر و رهی که کچه ز، د و اوره نی ر.

xar va rahi ke keča za, da va oū ra ney ra.

برگردان: خر از راهی که بارش گیر کرد، دوباره از آن راه نمی‌رود.

کاربرد: انسان هوشیار یک اشتباه را دو بار تکرار نمی‌کند. عاقل یک عمل را دو بار تجربه نمی‌کند.

- خَر هَمُو خَر، فقط جِلش عوض واییده.

xar hamū xare, faqaṭ jeleš āvaḍ vābīde.

برگردان: خر همان خر است، فقط جل آن عوض شده است.

کاربرد: تغییر صورت در سیرت بی تأثیر است.

- خری که وَ خیار ای خرن، وَ عَرّه ای گر.

xari va xeyār ey xeren, va xara ey gere.

برگردان: خری که به ازای خیار می‌خرند، در گل و لای گیر می‌کند.

کاربرد: کالایی که ارزان است، کارایی چندانی ندارد.

- گا ای کِن، خر ای خور.

gā ey kene, xar ey xare.

برگردان: گاو کار می‌کند، خر می‌خورد.

کاربرد: کار را دیگری انجام می‌دهد، سود و منفعتش عاید کس دیگری می‌شود.

- گا وَ دنیا اوَم، خر وَ دنیا ای ر.

gā va donyā owma, xar va donyā ey ra.

برگردان: گاو به دنیا آمد، خر از دنیا می‌رود.

کاربرد: هیچ وقت اهل فهم نشد. عمر را در جهالت به سر برد.

- معرفت خریا گوزیا لغت.

mārafate xar yā gūze yā larat.

برگردان: معرفت خریا گوز است یا لگد.

کاربرد: آدمی که شعور و فهم گفتگو و ارتباط اجتماعی با دیگران را ندارد. نفهم.

- یاسین وَ گوش خری خونن.

yāsīna va gūš xar ey xūnen.

برگردان: سوره یاسین را در گوش خر می‌خوانند.

کاربرد: به نادان پند دادن.

-خدا خر اشنخت که شاخ وش ندا.

xedā xara ešnaxt ke šāx vaš nadā.

برگردان: خدا خر را شناخت که به او شاخ نداد.

کاربرد: کار خدا بی حکمت نیست.

## ۲-۲-۲. گاو

گاو در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم ابزار حیاتی و عصای دست کشاورزان است؛ حیوانی که زندگی بدون آن میسر نیست؛ اقتصاد خانه به آن بسته است. مرگ گاو، آرامش را از خانه سلب می‌کند و خانه نابسامان و پریشان است. کسی قدر آن را می‌داند که آن را از دست داده باشد. حتی گم‌شدن گاو تأثیر روانی منفی بر خانه دارد. حیوانی که نباید به آن ظلم کرد؛ کاری که از توانایی آن خارج است، نباید به او تحمیل کرد بلکه در این هنگام باید تسلیم ناتوانی او شد و بار او را کاست. چون در زمان قدیم رسم بوده است که گاو را به دیگران امانت می‌دادند، بنابراین کسی که گاو را برای شخم‌زدن به امانت می‌گرفته است تا غروب خورشید با آن شخم می‌زده است؛ این رفتار ناپسند در ضرب‌المثل نماد خیانت در امانت محسوب می‌شود. گاو، حیوانی است که انسان و حیوانات اهلی از دسترنج او ارتزاق می‌کنند. حیوانی مظلوم که در جوانی منزلت دارد و در پیری بی‌ارزش می‌گردد؛ مادامی که توان کارکردن دارد، عزیز است و چون پیر شود، بی‌مقدار می‌گردد. این حیوان به خاطر کارایی فراوانی که دارد، هدف تیر نقایص قرار می‌گیرد و عیوب و کاستی‌ها متوجه اوست. گاو را در بهار نباید خرید؛ چون به خاطر تغذیه مناسب، همه گاوها خوب به نظر می‌رسند؛ بنابراین در ضرب‌المثل‌ها از خرید گاو در فصل بهار نهی شده است. پرخوری در ضرب‌المثل‌ها جزو اوصاف منفی گاو به شمار می‌رود؛ گاوی که حتی علف بهار کفاف شکم او را نمی‌دهد. آنجا که با یک لُپ‌زدن، خوراک یک سال مورچه‌ها را می‌خورد؛ نماد انسان‌های ظالمی است که به ضعف ظلم می‌کنند و آنجا که گاو هیچ‌گاه صاحب درک و فهم نخواهد شد نیز بیان‌کننده حال کسانی است که در دوران عمر به فهم و شعور نمی‌رسند. در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم تنها یک ضرب‌المثل در مورد گاو ماده است و باقی درباره گاو نر است. آنچه در مورد گاو گفته شد در حقیقت نماد اخلاق و رفتار انسان‌های جامعه است: تسلیم‌شدن، پرخوری، ظلم به ضعف، خیانت به امانت، دسترنج تو عاید دیگران شدن، حقیقت را از روی اکراه پذیرفتن، هیچ‌گاه اهل فهم و شعور نشدن، با سختی دیده و رنج کشیده معاشرت کردن، در پیری بی‌ارزش شدن، دسترنج ضعف را ربودن، تمام نقایص را به یک نفر نسبت دادن، در هنگام سرمستی و خوشی تصمیم نگرفتن، همیشه کار بر یک منوال نیست، مرگ سبب پریشانی و نابسامانی است، اوضاع آشفته و نابسامان است. با توجه به آنچه گذشت، به گاو از دو جنبه مثبت و منفی نگریسته می‌شود که جنبه

منفی آن در برابر جنبه مثبت بسیار کم‌رنگ است. این دو جنبه چون آینه‌ای رفتار مردان را در خود منعکس می‌کند و این طور به نظر می‌رسد که چون مردان کار با گاو را عهده دار بوده‌اند، این ضرب‌المثل‌ها ساخته و پرداخته ذهن آنان است. در لغت‌نامه، ذیل گاو حدود پانزده ضرب‌المثل بیان شده است که هیچکدام با ضرب‌المثل‌های رایج شهرستان رستم وجه اشتراک ندارند. عدم وجود این ضرب‌المثل‌ها در لغت‌نامه و امثال و حکم شاید دلیلی بر این ادعا باشد که این مثل‌ها خاص شهرستان رستم و ممسنى است. آنچه که در این زمینه بیان شده است، بیشتر نتیجه تحقیقات میدانی و مشاوره با سالخوردگان بوده است.

- اگر گانَر، خیش ویردارن.

agar gā nara, xēša vayrdāren.

برگردان: اگر گاو نرود، خیش را برمی‌دارند.

کاربرد: کوتاه آمدن، تسلیم شدن. دست برداشتن از کار ناروا و مشکل غیرقابل حل.

- چه قدر تُربگا بو که پر کُم گا بو.

čeqadr torbegā bū ke pore keme gā bū.

تُربگا: یکی از پوشش‌های گیاهی غنی شهرستان رستم است که در اکثر نقاط می‌روید؛ پوششی غالب که در زمین‌های دیم و آبی یافت می‌شود؛ اوج رشد و سرسبزی آن در فصل بهار است.

برگردان: چه قدر تربگا باشد که شکم گاو پر شود.

کاربرد: خورنده زیاد، خوراک کم.

- سرگی بسه، زِل.

sar gay basa zele.

برگردان: برای (در برابر) گاوی که بسته است، زرنگ است.

کاربرد: به ضعفا ظلم کردن.

- شو سه گی توقعی.

šaw se gay tavaqâi.

برگردان: شب سیاه و گاو پرتوقع.

کاربرد: از ابزار امانتی نهایت استفاده را بردن. به امانت خیانت کردن.

- گا ای کِن، خرای خور.

gā ey kene, xar ey xare.

برگردان: گاو کار می‌کند، خر می‌خورد.

کاربرد: کار را دیگری انجام می‌دهد، سود و منفعت عاید کس دیگری می‌شود.

- گا گوزَ ورداشت.

gā govvara vardāšt.

برگردان: گاو گوساله را پذیرفت.

کاربرد: حقیقت را از روی اکراه پذیرفتن.

- گی لَر بو ندار.

gay lar bū nadāre.

برگردان: گاو لاغر بو ندارد.

کاربرد: انسان و حیوان پیر، بی‌اهمیت است.

- موری جم ای کن، گا لُپ ای زن.

mūri ĵam ey kene, gā lop ey zane.

برگردان: مورچه دانه‌ها را جمع می‌کنند، گاو لپ می‌زند.

کاربرد: ضعفا کار می‌کنند و ظالمان می‌خورند.

- هرچی شل، گی گی کیل.

harči šele, gi gay kele.

برگردان: هر چه شل است، فضولات گاو دُم کوتاه است.

کاربرد: تمام نقایص را به یک نفر نسبت‌دادن.

- هَرَنی هرنی گانَ ایارم، خَر نی.

harani harani gāna eyārom, xara ney.

برگردان: هیچ چیزی نیست، هیچ چیزی نیست گاو را پیدا می‌کنم، خر گم شده است.

کاربرد: اوضاع آشفته و نابسامان است.

- همیشه نه گامیرون.

hamīša na gāmīrūne.

برگردان: همیشه گاو میران نیست.



کاربرد: کارها همیشه به یک رویه و منوال نیست.

-یکی گاش مرده، جلش پشت؛ یکی گوشت خورده، پوز مشتی.

yaki gāš morde jeleša pošte; yaki gūšta xarde pūza mošte.

برگردان: یکی گاوش مرده است، جل گاو را بر پشت گذاشته است؛ یکی گوشت را خورده است و پوز را مالیده است.

کاربرد: فقیری که آنچه داشته از دست داده است و دیگران از زیان او بهره‌مند شده‌اند.

## ۲-۲-۳. سگ

سگ در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم از چند جنبه نمود پیدا می‌کند: ۱- صدای سگ نماد آشوب و هیاهوی مردمان است؛ هیاهویی که خالی از منظور و هدف نیست بلکه در پشت آن قصدی نهفته است. کسانی در این آشوب متضرر می‌شوند که به قصد میانجیگری بیرون آمده باشند. در حقیقت این آشوب برای ضربه‌زدن به میانجی‌گر بوده است. ۲- رفتار و حرکات سگ که در واقع منعکس‌کننده رفتار و حرکات مردم است. هر رفتار علتی دارد یا خواسته‌ای را طلب می‌کند. اگر سگ دزدی می‌کند یا جسارت دارد یا دم تکان می‌دهد، نشان‌دهنده رفتار انسانی است که به این اوصاف متصف است. اوصافی که ناشی از تربیت خانوادگی است. ۳- نیکی در حق انسان پست، در واقع نیکی در حق سگ است؛ سگ نمک‌شناس که لیاقت خدمت را ندارد و در ازای خدمت به صاحب، خیانت می‌کند.

سگ حیوان وفاداری است اما نقش بی‌وفایی او در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم آینه‌ی رذالت انسان‌هایی است که شاید سگ از آنان بهتر باشد. به طور کلی، سگ در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم نقش مثبتی ندارد. تأثیر جزئی سبب تغییر کلی نمی‌شود. پیر، جوان نمی‌شود. همه چیز را همگان داندند حتی حیوانات. اگر حمایت و پشتیبانی نباشد، هیچ فعالیتی انجام نمی‌شود؛ و این که ضعیفی قدرت و جسارت پیدا می‌کند، ناشی از داشتن حامی قوی است. انجام عملی که با رسم سازگار نیست و رسم نبوده است. قرض را زود طلب کردن از مواردی است که سگ نماینده انعکاس آن در اخلاق و رفتار انسان‌هاست. از میان چهل ضرب‌المثلی که دهخدا درباره سگ یادداشت کرده است موردی نیست که با ضرب‌المثل‌های رایج در شهرستان رستم در مورد این حیوان، مشترک باشد.

-ای سگ سگلی سبی پره لحافی بی.

ey sag sagali si para lhāfi bey.

برگردان: این پارس و دعوای سگان برای این تکه لحاف بود.

کاربرد: در هر آشوبی هدفی نهفته است؛ هدف از این آشوب زیان‌رساندن به من بود.

- دریا و لَف سگ حروم وانی بو.

daryā va laf sag ḥarūm vāni bow.

برگردان: دریا با آب خوردن سگ، حرام نمی‌شود.

کاربرد: بزرگی با نقص کوچک معیوب نمی‌شود.

- سگ ار نه گُسنه بو، دِزو وانی بو.

sag ar na gosna bū, dezū vāney bow.

برگردان: سگ اگر گرسنه نباشد، دزد نمی‌شود.

کاربرد: هر عمل و رفتاری، علتی دارد.

- سگ پاش ایشکِه، دنبش وری بندن.

sag pāš eyškahe, donbeša varey banden.

برگردان: پای سگ می‌شکند، دمش را آتل می‌بندند.

کاربرد: کار بی‌ربط انجام دادن.

- سگ پیر گلی وانی بو.

sage pīr galay vāney bow.

برگردان: سگ پیر، سگ گله نمی‌شود.

کاربرد: پیر جوان نمی‌شود. جوانی بر نمی‌گردد.

- سگ سر صحابش وی بین.

sag sar šeḥāb xoš vay bīne.

برگردان: سگ حمایت صاحب خود را می‌بیند.

کاربرد: حمایت، سبب دلگرمی و تلاش است. جسارت و دلیری ضعفا ناشی از داشتن حامی قوی است.

- قلیه ن سی سگ ای کنن.

qalyana si sag ey kenēn.

برگردان: قلیه را برای سگ درست می‌کنند.

کاربرد: کار خوب در حق آدم نالایق و پست انجام دادن.

«قلیه را برای خر درست می‌کنند» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۱۳۸۷). «قلیه برای خر می‌کند» (حبله رودی، بی‌تا: ۳۲۳). از آنجا که حبله رودی در قرن یازدهم هجری این ضرب‌المثل را در مورد خر آورده است و همچنین ذوالفقاری در فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های ایرانی، بعید نیست که این ضرب‌المثل در شهرستان رستم تغییر شکل پیدا کرده است و سگ به جای خر به کار رفته است؛ هرچند که اقوام عرب زبان شهرستان از کاربرد این ضرب‌المثل اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند.

- نون و حونی کی اوم، تيله كيتوش و دینش اوم.

nūn va ḥūnay kay owma, tīla kotūš va dīneš owma.

برگردان: نان از خانه آقازاده آمد، توله‌سگ او به دنبال نان آمد.

کاربرد: قرض را فوری طلب کردن. بعد از قرض دادن، بچه‌ای از اعضای خانه به خانه مقروض برود و در آنجا غذا بخورد.

- نونِ نسه نَ ای خور، پارسِ برافتو ای کن.

nūn nesa na ey xare, pārsa baraftaw ey kene.

برگردان: نان محله سمت نسه (نसार: آن قسمت از زمین که کمتر در معرض آفتاب است) را می‌خورد، در محله سمت برآفتاب پارس می‌کند.

کاربرد: بی‌وفا و نمک‌نشناس بودن.

۲-۴. بز

مدعی بی‌هنر بودن؛ معیوب متکبر بودن؛ با خود مشکل داشتن؛ خیانتکار و بی‌وفا بودن؛ آنی به نتیجه مطلوب رسیدن؛ جوابگوی عمل خویش بودن؛ سرمایه محسوب نشدن و دارایی را از راه دخل، خرج کردن؛ علائم، صفات و نشانه‌هایی است که تجلی آن در بز، نمایانگر برخی از اوصاف انسان است. اوصافی منفی که بین بز و انسان مشترک است و همین سبب شده است که این حیوان حلال‌گوشت، علی‌رغم آنکه فایده بسیار برای انسان دارد در ضرب‌المثل نقشی منفی داشته باشد. واقعیت این است که ذهن خلاق چوپانان و دامداران شباهت‌ها را با دیده‌ای تیزبین دریافته‌اند و از آن‌ها ساخته‌اند. اگر کسی تجربه‌ای در چوپانی داشته باشد، می‌تواند شباهت‌ها را دریابد. البته بز هر چند نقش مثبتی در مثل‌ها ندارد اما بزی که هنگام نشخوار و وقت خواب ناله می‌کند، بسیار مبارک است و در باور مردم سبب افزونی گله می‌شود.

- هر پازنی مین هر کھی گوشت گِز، مین هم او که گوشت ای‌ریز.

har pāzani men har kōhi gūšt gero, men ham ow koh gūšta ey rīze.

برگردان: هر بز نری در هر کوهی چاق شد، در همان کوه هم لاغر می‌شود.

کاربرد: آنچه سبب صعود است، سبب سقوط هم می‌شود. سرمایه از هر راهی که به دست آید، از همان راه از دست می‌رود.

- بز گر و سرچشمه او ای خور.

boz gar va sarčšma aw ey xare.

برگردان: بز گر از سرچشمه آب می‌خورد. به همین شکل در لغت نامه آمده است.

کاربرد: معیوب متکبر.

- بز گوز ای کن، و قن خوش و قهره.

bez gūz ey kane, va qn xoš va qahre.

برگردان: بز باد شکم خالی می‌کند، با ک...ن خود قهر است.

کاربرد: با خود مشکل داشتن.

- بز نالوگله گرد کن، میش نالوگله قر کن.

bez nālū gala gerd kon, miš nālū gala qer kon.

برگردان: بز ناله‌زن سبب افزونی گله می‌شود، میش ناله‌زن سبب نابودی گله می‌گردد.

کاربرد: بز که ناله می‌کند، مبارک است؛ میشی که ناله می‌کند، نامبارک.

- بز و پی خوش ویرکشن، میش و پی خوش ویرکشن.

beza va pay xoš vayr kašen, miša va pay xoš vayr kašen.

برگردان: بز را با پای خود به دار آویزان می‌کنند، میش را هم با پای خود.

کاربرد: هر که جوابگوی عمل خویش است.

- بز که نون چپون ای خور، اجلیش گشته.

bezi ke nūn čepūna ey xare, ajaleš gašte.

برگردان: بز که نان چوپان را می‌خورد، مرگش فرا رسیده است.

کاربرد: بی‌وفایی و خیانت، نتیجه‌اش نابودی است.

- دنبه دم بز نیدم.

donba dam boz naydom.

برگردان: دنبه از بز ندیدم.

کاربرد: جواب به ادعا کننده‌ای که از عهده ادعای خویش بر نمی‌آید.

-دور داژ گنج داژ بز دار، پدرسگ هیچ مدار.

dovar dāro gonj dāro, boz dāro, pedarsag hīč madār.

برگردان: دختردار، زنبوردار و بزدار؛ پدرسگ هیچ ندارد.

کاربرد: دختر، زنبور و بز سرمایه حساب نمی‌شود.

۲-۲-۵. شتر

اوصاف برجسته شتر که در ضرب‌المثل‌ها منعکس است، هیکل بزرگ، دویدن و علاقه او به خوردن پنبه اوست. آنجا که خیانت به دوستان در منظر نامردان و خائنان خوش جلوه می‌کند همانند شتر در پنبه‌زار است. جایی که منشأ یک عمل زشت از خانه آغاز می‌شود و منجر به حرکت و رفتار منفی در سطح کلان می‌گردد؛ تخم مرغ دزد، شتر دزد می‌شود. وقتی که بخواهی کار بزرگ را با اسباب کوچک انجام دهی، در حقیقت شتر را با چمچه آب دادن است. وقتی نصیحت عقلا را گوش نکنی و به مسیر نادرست خود ادامه دهی باید نتیجه عمل خویش را که مانند به هوا پریدن شتر برای زمین زدن سوار خویش است، ببینی. اما در زندگی هیچ اتفاقی دور از انتظار نیست؛ عالم، عالم امکان است. هر چیزی ممکن است اتفاق بیفتد؛ پس ناممکن وجود ندارد. ممکن است شتری با ضربه یک گلوله پنبه‌ای بمیرد. به اجمال در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم، برجسته‌ترین ویژگی شتر که باید آن را در رفتار و کردار انسان‌ها جست، هیکل بزرگ اوست.

- خاگ دز، شتر دز وی بو.

xāg doz, šetor doz vay bū.

برگردان: تخم‌مرغ دزد، شتر دزد می‌شود.

کاربرد: دزدی بزرگ از وسایل کوچک شروع می‌شود.

- شتر و کمچلوک آو ای ده.

šetera va kamčalūk aw ey de.

برگردان: شتر را با چمچه آب می‌دهد.

کاربرد: انجام هر کاری نیاز به اسباب خاص دارد. کار بزرگ با اسباب کوچک انجام نمی‌شود.

- شتر و لاغری، میش و خشکسالی، مرد و فقیری نبین.

šetera va lāxari, mīša va xošksāli, merda va faqīri nabīn.

برگردان: شتر را در هنگام لاغری، میش را در خشکسالی، مرد را هنگام فقیری نگاه نکن.

کاربرد: شرایط و موقعیت را باید در نظر داشت.

- هاره خردیدی، جمبازی شتر هم بوین.

hāray xara dīdi, jambāzay šetera ham bevīn.

برگردان: هاره خر را دیدی، جمبازه (به هوا پریدن و رقص) شتر را هم ببین.

کاربرد: نتیجه رفتار و عملت را ببین.

- ی شتری و ی گری پنبی مرد.

ya šeteri va ya geray panbay mord.

برگردان: شتری از یک گلوله پنبه مُرد.

کاربرد: هر اتفاقی ممکن است. ناممکن وجود ندارد.

- نه شیر شتر، نه دیدار عرب.

na šīre šetor, na dīdār ārab.

برگردان: نه شیر شتر [می‌خواهم]، نه دیدار عرب.

کاربرد: نخواستن بهتر از دیدن ترش‌روی و چهره نازیباست.

## ۲-۲-۶. گربه

دزدی و ربودن؛ شرم و حیا نداشتن؛ مکافات عمل را دیدن و فقط منفعت شخصی را در نظر داشتن؛

اوصافی است که متجلی رفتار گربه در رفتار و اخلاق انسان‌هاست. رفتار گربه انعکاس رفتار شخص یا

اشخاصی است که دارای این گونه شخصیت و اخلاق هستند. گربه در ضرب‌المثل‌ها نمایانگر انسان

دزد، بی‌شرم و منفعت‌طلب است.

- گوشت ی من، گربه سه چارک.

gūšt ya man, gorba se čārak.

برگردان: گوشت یک من، گربه سه چهارم من.

کاربرد: مطابقت نداشتن ادعا با موضوع.

- ماس سرش وتای، گربه هم باید شرم و حیایی داشته بو.  
mās sareš vatāya, gorba ham bāyad ya šarmo ḥayāyi dāšta bū.

برگردان: سر ماست باز است، گربه هم باید حیا داشته باشد.

کاربرد: حدّ و حرمت را نگه داشتن.

- نه دُز بی نه طریده، گُلو اوَم تا دِمَش بریده.

na doz bay na ṭarīda, golū owma tā demeš berīda.

برگردان: نه دزد باشی نه مطرود، گربه آمد تا دمش بریده شده است.

کاربرد: عمل خلاف، پیامد و عاقبت نیک ندارد.

- هیچ گربی سی رضی خدا مشک نی گر.

hič gorbay sey reḍay xedā mošk ney gere.

برگردان: هیچ گربه‌ای برای رضای خدا موش شکار نمی‌کند.

کاربرد: انجام کار برای منفعت شخصی است، نه برای رضای خدا.

## ۲-۲-۷. میش

میش سه نقش را بازی می‌کند: ۱- انسان حریص که نتیجه حرصش، نابودی اوست. ۲- ضعیفی که در غیاب قدرتمندان ادعای بزرگی و سروری می‌کند. ۳- ساده‌لوحی که بسیار به او خیانت می‌شود. با توجه به سه نقش یاد شده، میش در ضرب‌المثل‌های شهرستان رستم، نماد انسان نادانی است که سود و زیان خویش را تشخیص نمی‌دهد. حتی میشی که هنگام نشخوار و وقت خواب، ناله می‌کند نامبارک است و در باور مردم سبب نابودی گله خواهد شد.

- میش که گرگ نی بین، آویارملک اسمیش.

mīš ke gorga ney bīne, awyār malek esmeše.

برگردان: میش وقتی که گرگ را نمی‌بیند، نامش میراب است.

کاربرد: وقتی تهدید نباشد، ضعیف قوی می‌شود.

- وَ گرگ ای گ، بر؛ وَ میش ای گ، ویسا.

va gorg ey go, bera; va mīš ey go, vaysā.

برگردان: به گرگ می‌گوئید، برو؛ به میش می‌گوئید، بایست.

کاربرد: ریاکار، دورو و خائن بودن.

- و میش ای گو، بچک؛ و گرگ ای گو، بگرش.

va miš ey go, bejek; va gorg ey go, begereš.

برگردان: به میش می گوید، بدو؛ به گرگ می گوید، او را بگیر.

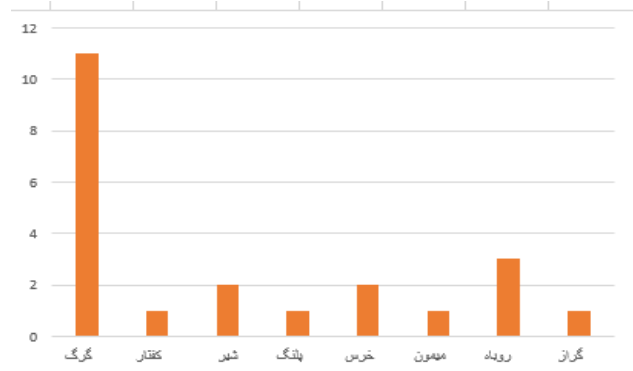
کاربرد: ریاکار، دورو و خائن بودن.

### ۳. نتیجه گیری

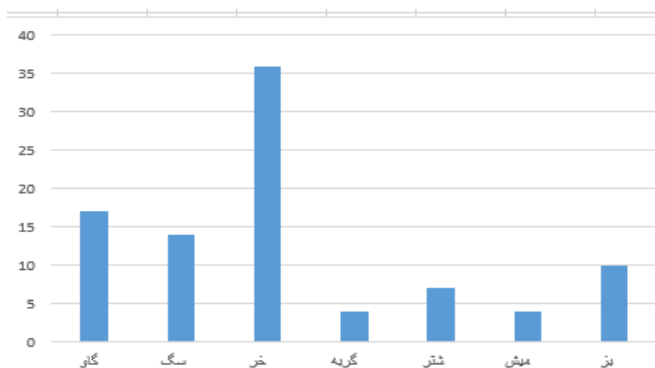
در میان حیوانات وحشی، شیر و میمون نقش مثبت و باقی حیوانات، نقش منفی دارند. در بین حیوانات اهلی، گاو نقش مثبتی دارد و نماینده مرد خانه است که بدون وجود او، خانه با مشکل اساسی رو به روست. نقش شتر خنثی است و باقی حیوانات نقش منفی دارند.

حیوانات اهلی و وحشی که در اقلیم شهرستان رستم زندگی می کنند و مردم با آنان سر و کار دارند، ضرب‌المثل‌های بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند و حیواناتی که خاص این اقلیم نیستند، حضور کمتری در ضرب‌المثل‌ها دارند. البته بعضی از حیوانات ساکن این اقلیم به دلیل رویارویی بسیار کم با انسان‌ها، بالطبع نقشی در ضرب‌المثل‌ها ندارند که این خود به دلیل عدم شناخت انسان‌ها از رفتار این حیوانات است. هرچه مردم، حیوان را بیشتر لمس کرده و شناخته‌اند، انعکاس حضور حیوان در مثل‌ها افزون‌تر است.

در میان حیوانات اهلی، خر با ۳۸ ضرب‌المثل و در میان حیوانات وحشی، گرگ با ۱۵ ضرب‌المثل از بسامد بیشتری برخوردارند؛ دلیل این امر ارتباط تنگاتنگ جامعه با این حیوانات بوده است.







حیوانات در ضرب‌المثل‌ها، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در جامعه بشری را منعکس می‌کنند. در ضرب‌المثل‌های بررسی شده در این پژوهش، انعکاس ضد ارزش‌ها ۶۵ درصد و ارزش‌ها ۳۵ درصد بود. ارزش‌ها شامل تلاش برای بقا، دشمن‌کشی، پشیمانی، دشمن‌شناسی، خدمت‌گزاری، قدردانی، دقت در انتخاب، علامت‌شناسی، علت‌فهمی، چشم‌پوشی، عمل‌گرایی، عاقل بودن، مطیع بودن، به نتیجه عمل رسیدن، موقعیت‌شناسی است و ضد ارزش‌ها شامل افزونی بدی‌ها، ریاکاری، عبرت نگرفتن، پستی و بی‌غیرتی، تاب نداشتن، عیب‌جویی، بی‌تجربگی، پرخوری، خیانت در امانت، اکراه از پذیرش حقیقت، جهالت، ظلم به ضعفا، آشفتگی و نابسامانی، کار بی‌فایده کردن، لیاقت نداشتن، رسم تازه آوردن، خدمت به ناهل، بی‌وفایی، بی‌هنری، به دنبال بهانه بودن، بی‌انصافی، منفعت‌طلبی، نفهمی، پند به نادان دادن، بی‌حیایی، دزدی، حرص، ادعا و تکبرداشتن می‌شود.

عمده ترین هدف از کاربرد این ضرب‌المثل‌ها در زبان عامه شهرستان رستم، آموزش و تربیت طرف مقابل است. در واقع، گوینده می‌خواهد مخاطب خود را به مسیری که بهتر و نیکوتر است، هدایت کند. چون وقتی مثالی به موقع و مناسب حال و مقام بیان شود، بیشترین تأثیر را در اصلاح کردار و رفتار مخاطب خواهد داشت.

## منابع

- ۱- ایزوپ. (بی‌تا). حکایت‌های ایزوپ، ترجمه امیرحسین مکی، تهران: انتشارات آریا گهر.
- ۲- امان الهی، اسکندر. (۱۳۷۰). قوم لر، چاپ پنجم، تهران: انتشارات آگه.
- ۳- پرتوی آملی، مهدی. (۱۳۶۹). ریشه‌های تاریخی امثال و حکم، چاپ دوم، تهران: انتشارات سنایی.

- ۴- حاجیان نژاد، علیرضا. (۱۳۹۹). «تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب‌المثل‌های فارسی با تکیه بر داستان‌نامه بهمنیاری»، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، ۸(۳۱)، ۱۲۱-۱۵۶.
- ۵- حبله رودی، محمد. (بی‌تا). جامع التمثیل، چاپ ششم، تهران: انتشارات اسلامی.
- ۶- حبیبی فهلیانی، حسن. (۱۳۷۱). ممسنی در گذرگاه تاریخ، چاپ اول، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- ۷- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۳). امثال و حکم، چاپ ششم، تهران: انتشارات سپهر.
- ۸- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۴). زبان و ادبیات عامه ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ۹- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات معین.
- ۱۰- سلاجقه، پروین. (۱۳۹۰). «جستاری در چگونگی کارکرد نمادهای جانوران در اشعار صائب تبریزی و بیدل دهلوی»، فصلنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۹(۳)، ۱۲۱-۱۴۰.
- ۱۱- شریفی مقدم، آزاده. (۱۳۹۲). «تحلیل معنی شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش لار»، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان، ۱۱(۲)، ۱۳۷-۱۵۹.
- ۱۲- علوی مقدم، مهیار. (۱۳۹۸). «نگاشت‌های استعاره‌ای حیوانات در ضرب‌المثل‌های برآمده از متون ادب فارسی»، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، ۷(۲۶)، ۲۰۷-۲۴۰.
- ۱۳- قیاسی، سیدوهاب. (۱۳۹۶). پژوهشی اجمالی در ادبیات عامیانه ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۱۴- متین، پیمان. (۱۳۸۵). لرها اقوام ایرانی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۱۵- مقیمی، افضل. (۱۳۹۴). فرهنگ واژه‌های لری بویراحمدی، چاپ اول، یاسوج: انتشارات فرهنگ مانا.
- ۱۶- ندیم، مصطفی. (۱۳۷۹). «نقش حیوانات در ضرب‌المثل‌های شیرازی با نگرشی بر جامعه شناسی زبان»، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۹۷، صص ۲۹۱-۳۰۲.

#### منابع شفاهی

- ۱- امان الله محمدیان، متولد ۱۳۵۳، روستای تلخاب سفلی.

- ۲- امید حسین زاده، متولد ۱۳۶۰، روستای خیکنده.
- ۳- آیت الله کریمی، متولد ۱۳۵۷، روستای گلبابکان.
- ۴- بگم جان انصاری، متولد ۱۳۲۲، روستای نوگک.
- ۵- جعفر شفيعی، متولد ۱۳۱۸، روستای مورمیر.
- ۶- ذوالفقار صابری، متولد ۱۳۳۴، روستای پهبون.
- ۷- ذوالفقار محمدی، متولد ۱۳۴۰، روستای بردکوه.
- ۸- رضا انصاری، متولد ۱۳۳۱، مراسخون علیا.
- ۹- زیاد حسینی، متولد ۱۳۲۷، روستای بردکوه.
- ۱۰- سید روح الله سادات، متولد ۱۳۳۹، روستای دشتک.
- ۱۱- سید محسن هاشمی، متولد ۱۳۱۰، روستای موردک.
- ۱۲- شاه خانم محمدی، متولد ۱۳۰۱، روستای بردکوه.
- ۱۳- عبدالعلی حسین زاده، متولد ۱۳۴۱، روستای خیکنده.
- ۱۴- علی رضا چکاو، متولد ۱۳۵۴، روستای مراسخون.
- ۱۵- علیقلی بوستانی، متولد ۱۳۱۶، روستای ضامنی.
- ۱۶- ماهیجان براتی، متولد ۱۳۳۷، روستای چشمه بری.
- ۱۷- مختار وحیدی نژاد، متولد ۱۳۲۵، روستای چشمه بری.
- ۱۸- مریم رستمی، متولد ۱۳۳۸، روستای پرین.
- ۱۹- همه‌جان محمدی، متولد ۱۳۲۲، روستای بردکوه.